



1
FIRST ISSUE
JUNE '09

JOHNS • VAN SCIVER

FLASH REBIRTH

The



فیلم بازا
filmbuzz

نشر از سایت
فیلم بازا
DCCOMICS



JOHNS • VAN SCIVER

The

FLASH

REBIRTH


1
FIRST
ISSUE
JUNE '09

DCCOMICS.COM



ترجمه: احسان موسوی

ehsanmfarid@gmail.com




از همان ثانیه ای شروع شد که
از این خیابانها دوید

اشعه ی رعدوبرقی از دور دست
دریده میشد که پشت سر هزاران
رد پای رعد آسا بوجود می آمدند

قدم های او راهنمایی آنانی بود که
سرعت صوت، نور و زمان را فرد میکردند.

آنانی که میخواستند در همان مسیر او حرکت
کنند و حس کهنه ی عدالت او را حمایت کنند



این مرد تقواست قبول کند که خط بین خیر و شر
همانند قرمز و طلایی که به تن کرده تیره و
میهم شده است.

این موضوع برای "بری آلن"
مسئله ی ساده ای بود.

هممم

چی؟

تو کناهار
بودی...

یا کناهار نبودی.

با هم جور
در نمیان.



بهر حال، به خاطر یه چیزایی گناهکاره.

تو سابقه شن رو دیدی، درسته؟ توی جمع ظاهر شدن، درخواست سکس و اینکه اون دقیقا تو همین نمونه ی بغلی زندگی کرده.

دوباره چک کن. عااااا چک کردم. اون این کارو نمیکنه!

دی ان ای مال اون نیست. اون، دختره رو نکشته



کلی فشار رو ریسه تا این مسئله رو حل و فصل کنه. ما داریم خیلی اذیت میشیم که کار به انجام برسه.

دیددی که رسانه ها باهاش پیگار کردن.

ببین، قربانی یه دانشجوی ۲۰ ساله از بلو-ولی بود که با هزار امید و آرزو به "شهر بزرگ" نقل مکان کرده بود و در نهایت جسدش پیدا شد

قطعا...



دارم خواهش میکنم. پسر.

پسن یه کاری کن جور در بیاد

اما...



عجله کن تمومش کن.

سنترال سیتی اینطوری کار میکنه

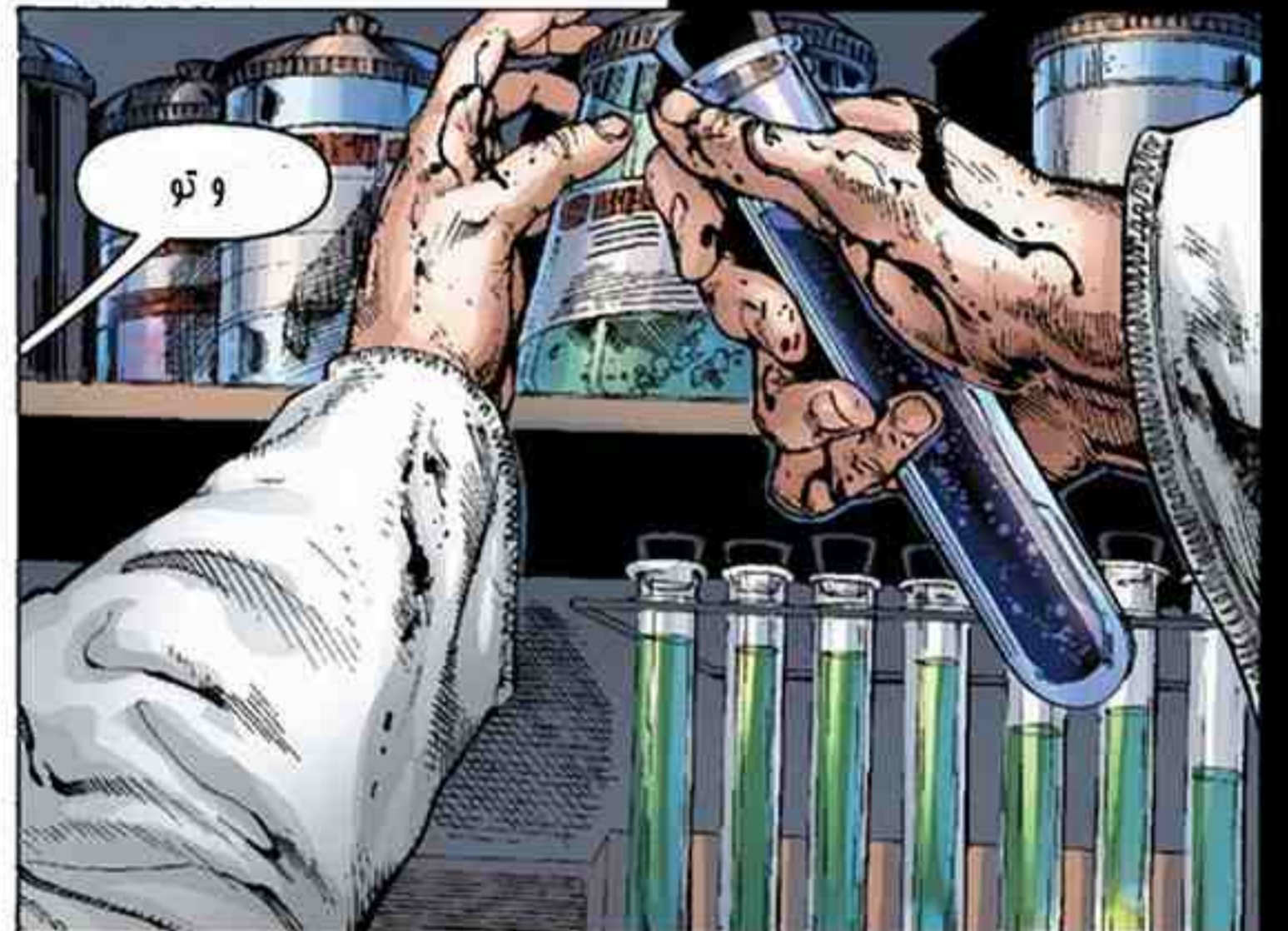
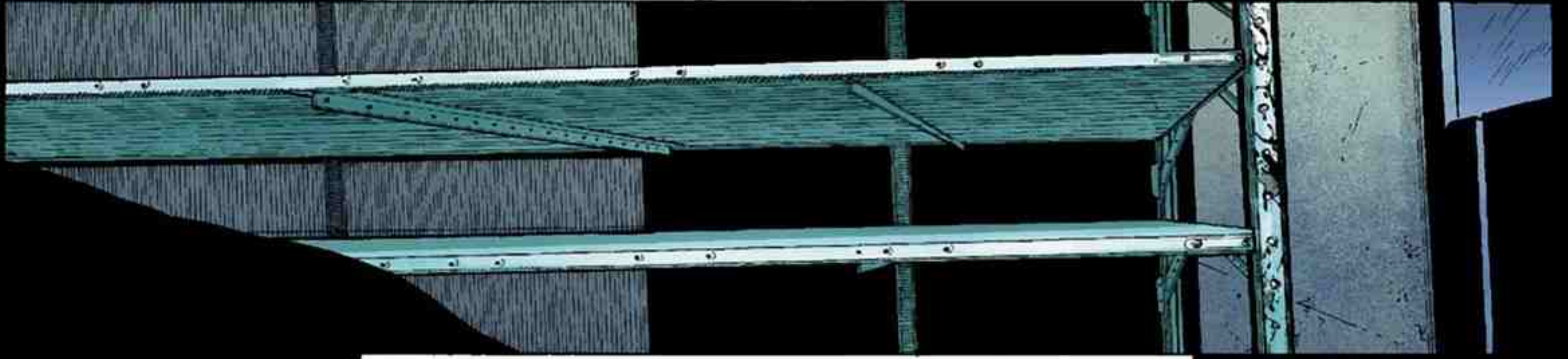


KREEEK



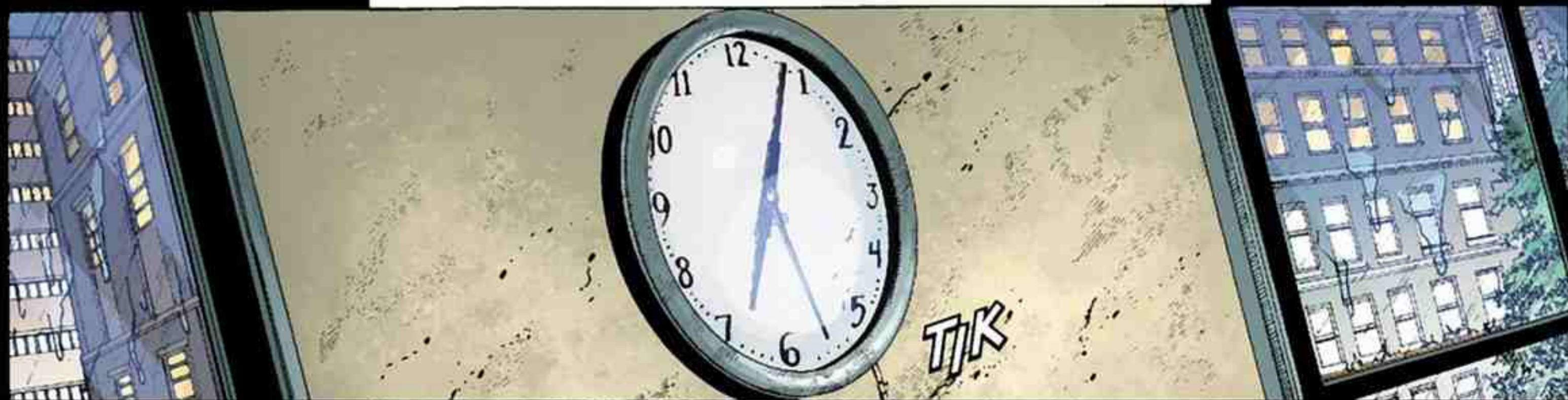
تو دیگه کی هستی؟



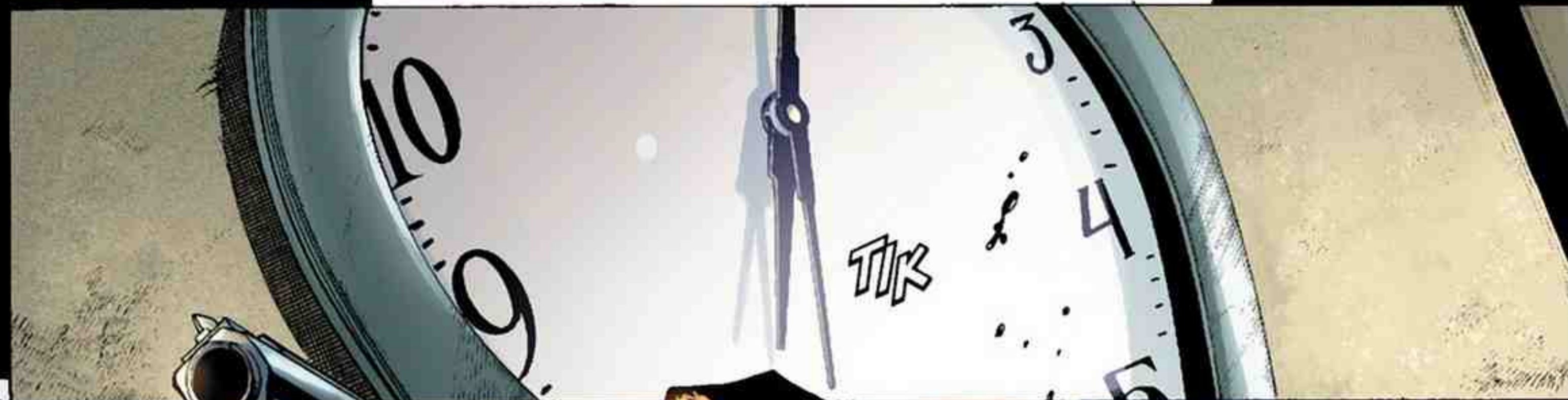




همه کلاهکارن.

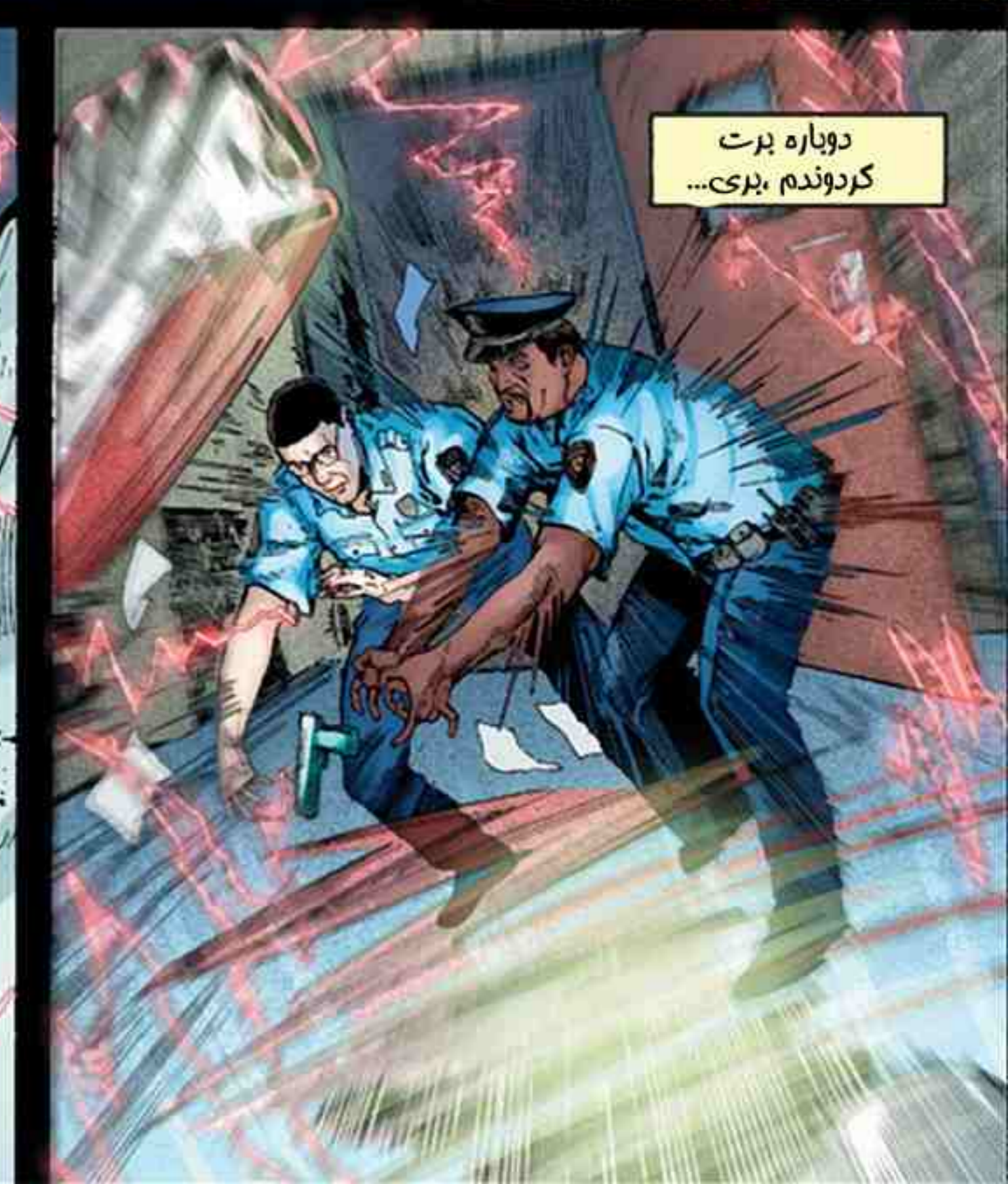
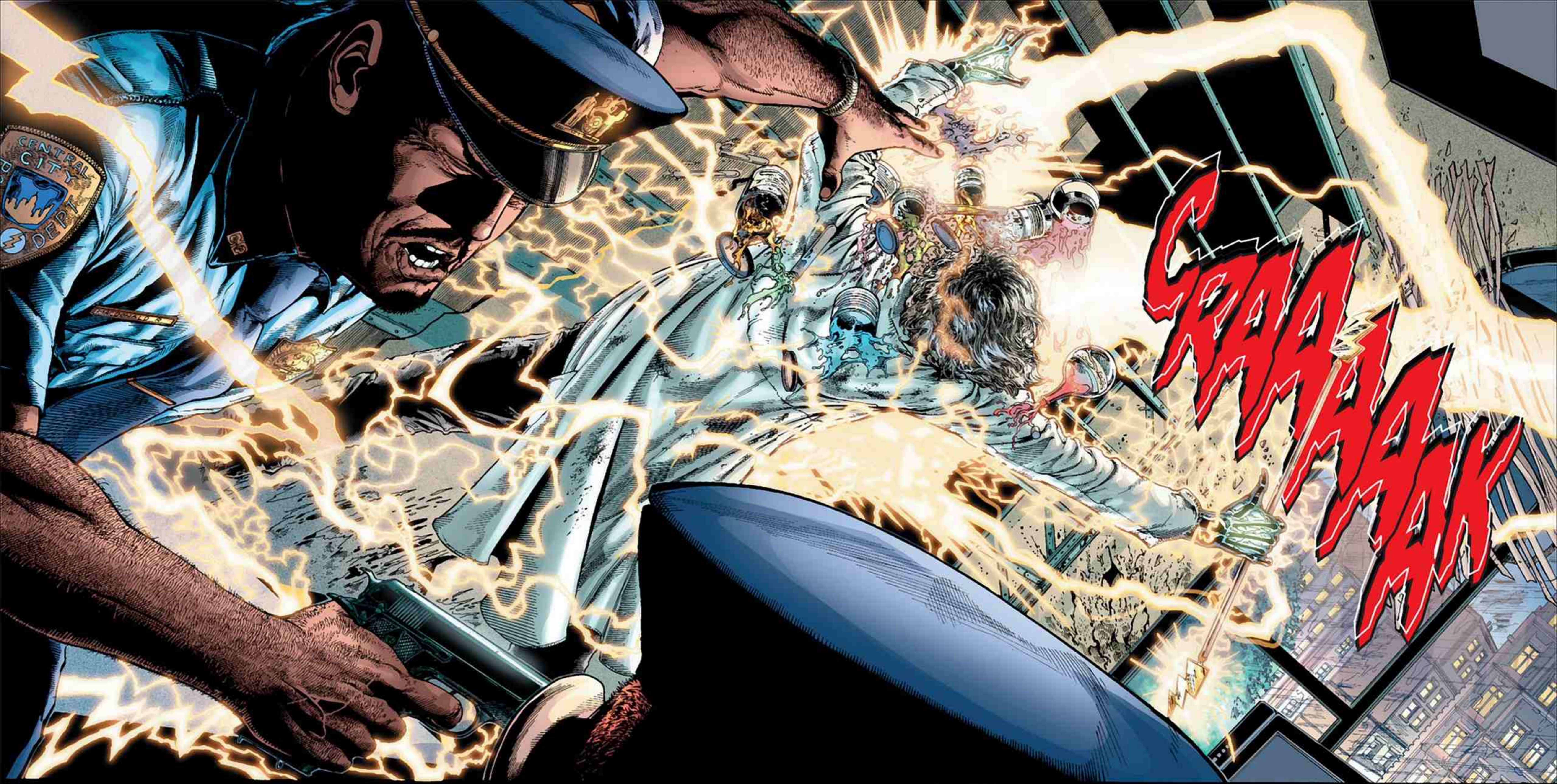


هرک، آخر کار نیست.



تکون نفور

و رعدوبرق همیشه دوبار میزنه.



... و این بدترین کاری بود که میتونستم باهاش بکنم.

امروز همه میخوان سریع حرکت کنن

اما ترفیق از زمان طلوع آفتاب قفل شده.

مردم کی استون و سرتاسر بافتن میانه دارن تلاش میکنن که خودشونو به مرکز شهر برسونن. و این به راه بندون چدیه.

پرا تو به روز شنبه این ساعت شلوغ شده؟

تدارکات برای به یاد ماندنی ترین جشن صاعقه در دست اقدامه

آونا دیشب بعد از بازیابی شدن توسط لیک عدالت که معلوم شد شایعه ها راست بودن، دیروقت شروع کردن ...

فکر کنم به شیدای بیشتری نیاز خواهیم داشت

... صاعقه ی سنترال سیتی برگشته!

در کنار اقبال بازگشت صاعقه، احتمالاً امروز بزرگترین روز در تاریخ بادپاهای قرمزپوش که شهرهای دوکولومون را حفاظت کردن باشه.

دوباره یک ساعت دیگه که مراسم شروع میشه برمیگردیم.

من لیندا پارک وست هستم از رادیو کی-اف-ام-بی، اقبال شبکه ۴

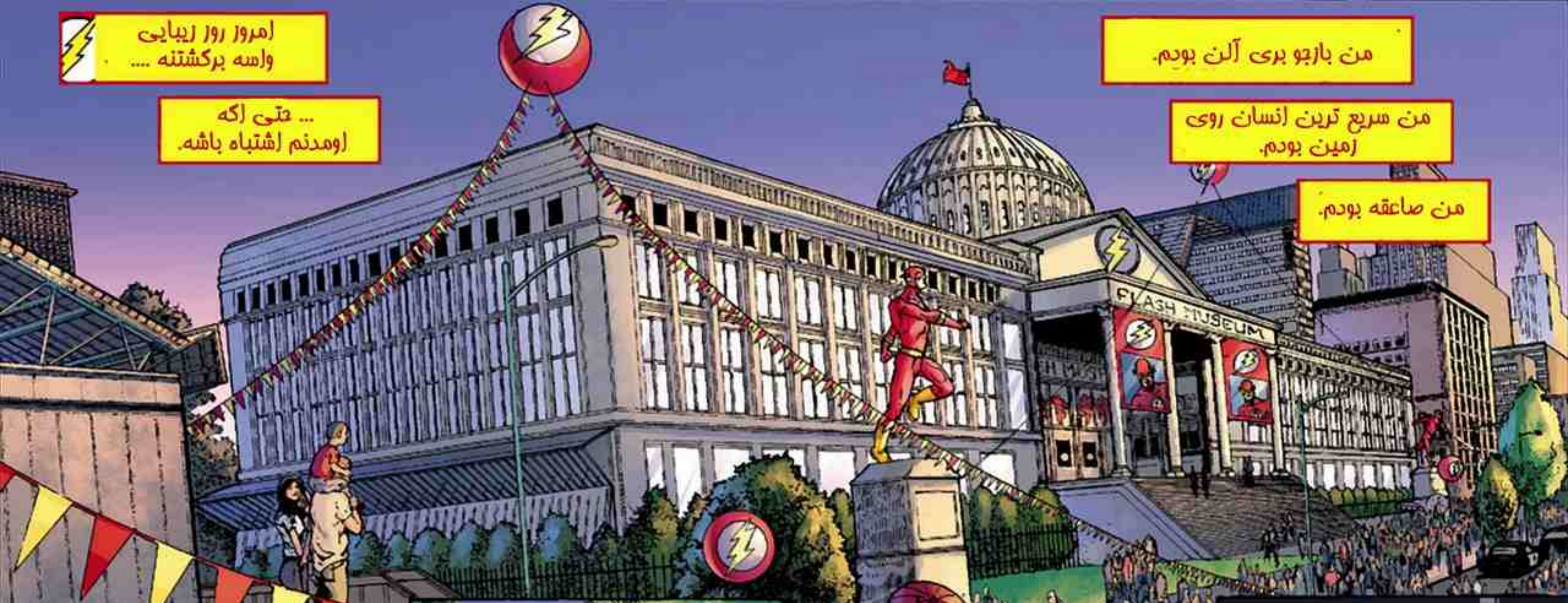
امروز روز زیبایی
و امسه برگشته ...

... حتی اکه
اومدنم اشتباه باشه.

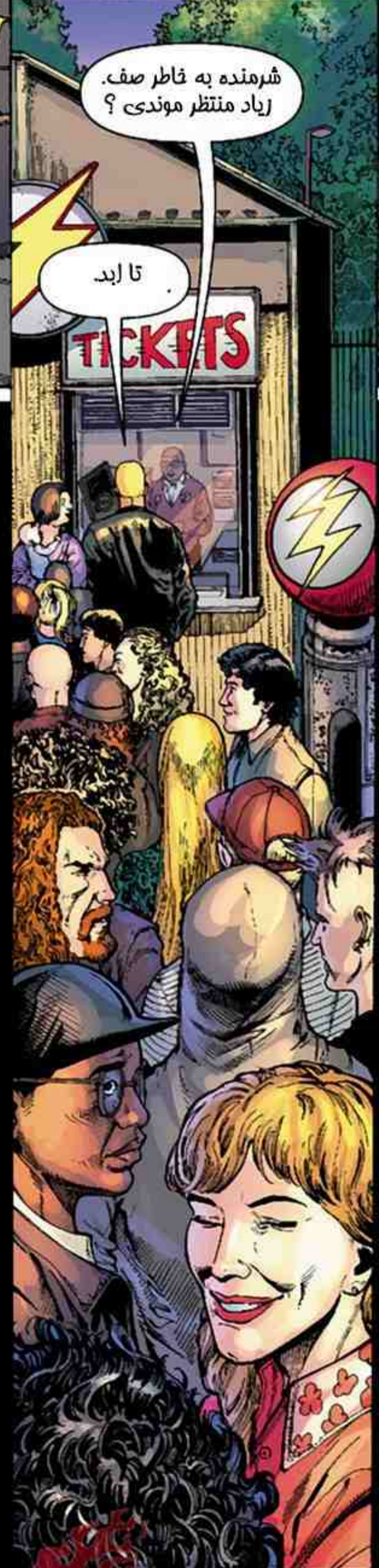
من بازیو بری آلتن بودم.

من سریع ترین انسان روی
زمین بودم.

من صاعقه بودم.



بذار کردو
فاکتو پاک کنم.



شرمنده به خاطر صف.
زیاد منتظر موندی؟

تا اید.



منو یادت میاد؟
و اینکه آیا هنوزم از
کاری که با اون دختره
کردم ناراضی؟



تاحالا موزه رفتی؟

تو اینطوری
فک کن.

پس ثوبه که
برگشتی

ما امروز
تا ۵ باریم.

ممنون،
اونقدرام نمیخوام
بموتم.

جمعیتو ببین. هیاهو
رو نگاه کن. اسممو
که میاری... احساساتی
میشن

نیویورک

قرارگاه های جامعه ی عدالت آمریکا

بری آلن منو صاعقه کرد.

بری آلن تو رو صاعقه کرد؟؟ این منطقی نیست، چی.

تو صاعقه بودی سالها قبل از اون، تو اولیش بودی.

چی داری میگی؟

چی داره رایج به رمونیکه خودش و زوران و کل شهر کی استون از روی نقشه ناپدید شدن حرف میزنه. اون هم متفکر بود و هم کلاهبردار ...

ایمان از دیدن دست برداشتم

تا وقتی بری نیومده حق نداری بفوری، تد

WHAP

و سایه هم به قسمتی ازش بود چراشو خدا میدونه. اون سه تا فرانکس شهر کی استون رو تغییر دادن دزدیدنش. زمان ایستاد.

اما این باعث نشد که سرعتم کند شه.

این کلاهو چند سال قبلش دور انداخته بودم. منم مثل بقیه جامعه ی عدالت بازنشست شدم.

اما وقتی بری کی استون رو بیدار کرد، منم بیدار کرد.

"فکر میکردم خیلی خوب میدوم. اما این بچه. کنیکای و شادابی و حس همیشگی صبیح و غلظش ..."

"... به منم سرایت کرد."

"در تمام اون سالها، بیشتر اوقات نتونستم سریعتر از سرعت صوت بدم."

"اما وقتی گردوغبار نشست و دوباره کی استون با سنترال، شهرای دوقلو شدن بهم نگاه کرد و پوزخندی زد ..."

"مسابقه بدیم آقای کریک؟"

"اون روز من صد برابر سرعت صوت دویدم."

"هنوزم از دویدن وا نیاستادم."

"و اگه تو این قضیه رو بی حساب نمیدونستی من چطور میتونستم؟"

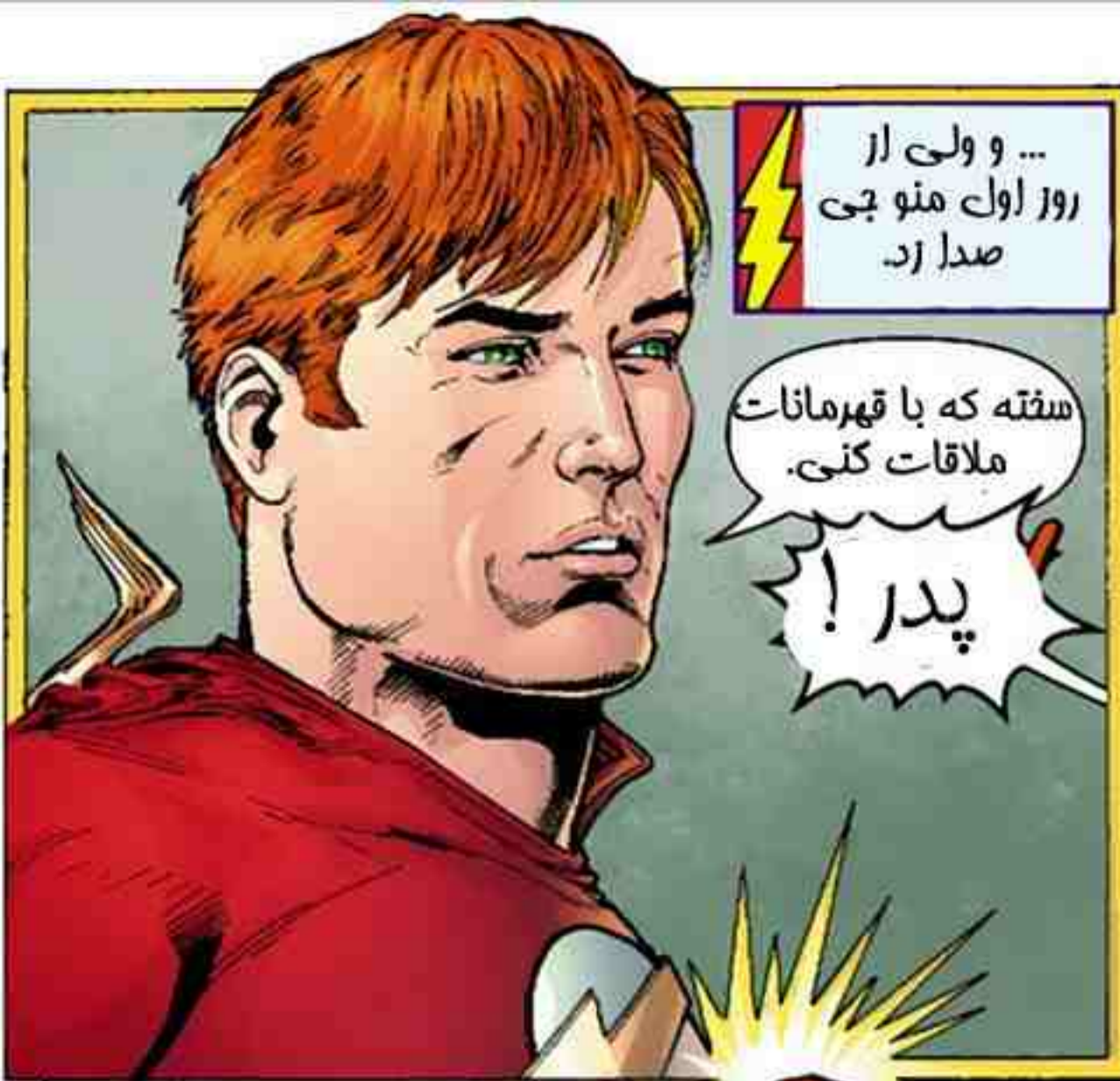
"منم همینطور."

"بری همه مونو دوباره داخل رینگ آورد حتی اگه خودش متوجه این نبود."

"چرا اون تورو آقای کریک صدا زد؟"

"بری هرگز منو، چی صدا نزدنه تا وقتی که پهلوی ولی دویدیم."

"ولی، نوچه شن بود اما همونقدر که بری روی اون تاثیر داشت، اونم روی بری موثر بود..."



... و ولی از روز اول منو چی صدا زد

سفته که با قهرمانات ملاقات کنی.

پدر!



نیویورک

برج تایتنز

یه ثانیه آیری

پدر!



اما وقتی عمه آیریس منو به بری معرفی کرد ، انتظار اتمو شکست همونطور که دیوار صوتی رو شکسته بود.

اون همیشه موقع حرف زدن دقیقاً به پشلمات نگاه میکرد. هرگز نگفت که نا امیدم.

و برای کسی که سرعت بالایی مثل اون داره زیادی صبور بود



بمیر جای!

هی شما دوتا! دعوا بسه!



وقتی مربی ت برات بستنی آورد و به اردو بردت ، دپیکان سبز، داشت برام از مسئولیت هایی که چوونا نسبت به سیاست و دوروبرشون داره سخنرانی میکرد.

دیانا همیشه بهم میگفت که به شما پسرا نزدیک نشم.

دولی، تو فوش شانس



فیلی فوش شانس. دیک

پدر!

چه خبر تونه؟



چای نمیزاره
میمون دست
من باشه!

ثوب آیری هم
نمیزاره پیناتا رو
آویر کنم.

و در ضمن اون
یه کوربله!

شما دوتا با هم بازی کنین
و ساکت باشین و الا باید
کل فردارو تو اتا قاتون باشین.



فهمیدین؟



بله

بچه ها در دسر دارن.
نمیتونم تصور کنم که
بچه هام دوقلو باشن.

تصور کن یکی شون
قدرتای فتن داشته باشه و
اون یکی بتونه
نامری بشه.

اگه نیروی سرعت
بهبشون سرعت خاصی بده،
عذراقل میتونم به اونا نسبت
بدم. من میدونم بزرگ
شدن با اون یعنی چی.



نمیتونم تصور شو بکنم
که یکی مثل بارت
باشه.



سان فرانسيسكو

برج تين تایتانز

اين بنر هارو خودتون نصب کردین؟

من اود اومدم.

پس بری برگشته.

قضيه چيه؟

نميدونستم كه بقيه تایتانها داشتن ميرفتن مركز شهر تا نمايش رو ببينن

اونا به عشق دیدن صاعقه رفتن.

والی وست صاعقه اصلی هست. دفتر شکفت انگیر

و تو هم بودی، بارت.

آره، اصلنم جالب نبود.

من از آینده اومدم بنابراین همه چیز برمیکرده سر جای اولش. ولی صاعقه من و من بچه صاعقه



اون برگشته. دقیقا چيو فدا کرد؟

ببین، این بنظر اشتباه میاد. عادلانه نیس.



از رمونیکه تو بزرگترین بدگوی ولی بودی مدت زیادی نگذشته.

ولی به صاعقه بودن دست پیدا کرد

اما بری آلن--

اون برا همه مته مسیح بود. پهر حال... من بری آلنو خیلی خوب میشناسمش، تیم.

بارت او پدر بزرگته. اون فداکاری کرد...



چرا بری تنها کسیه که از نیروی سرعت فرار کرد؟

مجموعه انیمیشن

ژوان من هیچ سوالی نمی پرسم.

مرکز شهر

خانه ی آیریس وست-آلن



بری برگشته.

بارت برگشته.

دیکه چی هست که باید بدونم؟



بری خیلی وقتی رفته. آیریس. همه فکر میکنند مرده. میفواد چیکار کنه؟

آیریس؟



به مفض اینکه اومد شام بتوره متوجه میشی. اون سرش شلوع بوده. فرصت زیادی برای صحبت کردن نداشت.



الو؟

آیریس؟ من سروان، فرای از شعبه ی مرکزی پلیس

به قتل اتفاق افتاده.



میدونم که بری برگشته. به کمکش احتیاج دارم.



بعضی چیزها هیچ عوض نشدن.

... اسمش دکستر مایلزه و اکه سوالی رایج بهش دارین خوشحال میشم جواب بدم.

پیزای دیگه فرق کردن.

... موجودی هارو سریع انتقال بدین، قبل اینکه دوباره ضربه ببینیم.

... وایسا، باید حرکت کنم. پذیرش اشتباهی دریافت میکنم...

... فقط آدرسو برام بفرست...

... سرعت دانلود خیلی کمه ...

... تماس دیگه ای دارم...

دنیا برات خیلی سریعه ؟

FLASH MUSEUM





شوقی
میکنی
هال؟
بالاخره دنیا داره
چیران میکنه.

اولین باری که هال
چردنو دیدم هال
نکردم باهاش.

یکم زیادی بی دقت بود.
یکمم زیادی به
واندر وومن قیره شبیه بود.

و وقتی لیک پیشرفت
کرده بود، اون مته یه
دیوونه پوزندنی زد.

تا قبل اینکه کلمه ی
"ارتکاب" رو ارزش نشینیده
بودم متوجه پلیس بودنش نشدم.

که همه چیو
عوض کرد.



همه دارن ۶ تا
کارو همزمان انجام
میدن.
اره. آزار
دهنده سن.

جالبه.

تو میگی تلاش برای خوردن
شام با کسی که به توهر
اونا پیغام میده، از سر کار تلفنارو متوقف
میکنه و بازم دیر میاد برا شامی که برای
بار دوم رزرو همیشه چیز جالبیه؟



اون دوبار
رزرو کرده؟
عقلتو از
دست دادی؟

فقط یه
مثال بود

شاید اون
یه ژاکته.

بهتر از پایبونه.

پایبونا اشتباه من
نیودن. در ضمن
من اهل باری نیستم.



هن آیریسو
دارم.



راستشو بقوای تنها روزنه ی امیدیی
که برا عدم حضورت هست اینه
که تو اون نزدیکیا نبودی که بقوای
باهام اختلاف نظر داشته باشی.
ارولی، هم به
همین بدی بود

وقتی من نبودم،
پیکان سبره چنتا از
بچه هارو به
آسترو رهبری
کرده؟

در حقیقت یه نفر.
اما امیدوارم تو و اولی
از اون شروع کنین.

برنگشتم که
دوباره شروع کنم.

پس واره
چی برگشتی؟



همه حتی خود لیک واسه جشنای "بارگشت" برنامه ریزی میکنن ، پس چرا تو رو اینجا میبینیمت ؟

دارم به چیزی که گمش کردم میروم.

چی کم کردی ؟ فکر کردم از اون جایی که قبلا بودی کاملا داری میبینیش

هاله، من جایی نرفته بودم. من بخشی از یه چیز بودم. بخشی از رعدوبرق چند بعدی که همه ی تیرپاها بهش دسترسی دارن.

فکر کنم این چیزیه که اونا تصمیم دارن صدانش بزندن. برا من مثل توفانی از رعدوبرق بود که تمومی نداشت.

رعدوبرقی که وقتی به خودم فشار میاوردم تا با سرعت هرچه تمام برم، تو لبه های افق نورهایی مثل شعله میدیدم.

نیروی سرعت؟



وقتی من آنتی مانیپولر رو متوقف کردم، وقتی داتل "نیروی سرعت" دویدم و بهش ملحق شدم مثل این بود که هویتمو بیرون میریتم.

کاملا نشانه هایی از اینکه من چه کسی هستم رو کم کرده بودم. شخصیتم ناپدید شد. ارتباطم با آیریس، خانواده م، دوستانم قطع شده بود.

میتونم لحظه هایی از جهان پیرامون رو اونطور که گذشت به یاد بیارم اما داره محو میشه.

به نقطه ی شروع برگشتم. نمیدونم چرا.



چرا؟ چون ما دوباره
بیت نیاز داشتیم.
تا کفشای گنده ی زردتو پوشی
و صورت دارکساید رو له کنی.

لیک باید با دارکساید
مبارزه میکرد. والی
هم میتونس.

برگشتن، شفاعت
الهی نبود هال.
اون یه اتفاق بود مثل
صاعقه ای که با من
برخورد کرد



میتونم حسش کنم.
نیروی سرعت میخواد
منو بکشه سمت
خودش.



نه نه . تو خودت
برگشتی بری. باید
مته بقیه هیجان
داشته باشی.

من تصمیم
برگشت نداشتم.



والی چکمه هامو
آماده کرده، هال.

والی بچه داره و ارزشون
مراقبت میکنه. اون روی
فرداش تمرکز کرده.

بارت از
آینده برگشته.

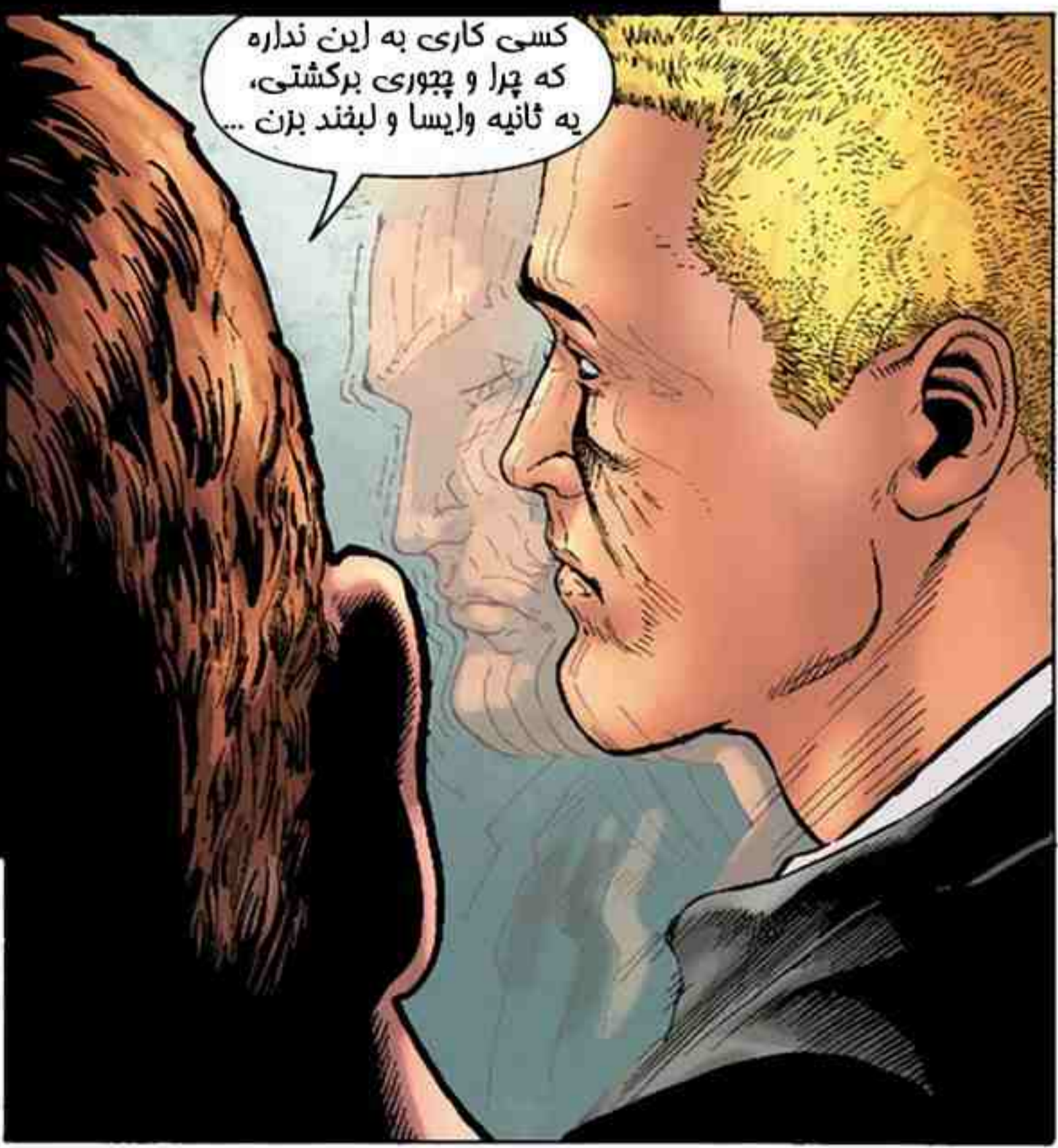
اما بارت روی
گذشته تمرکز داره.

و علیرغم اینکه فیلی
دلش میخواد یونیفرم تورو
پوشه، سالها از رسیدن به
این درجه دوره.



رفیق، تو الان
توی امروری.

و از سرنوشته فرار کردی
که هیچکس فکرشو
نمیتونس بکنه.



کسی کاری به این نداره
که چرا و چجوری برگشتی،
یه ثانیه وایسا و لبغند بزنی ...

«تو از هرک سریع تر
بودی.»

فالویل، آیووا

هی شما دوتا
زود بیاین اینجا!

میخواه بارون
سگ و کره بباره!

موووووووووم!

الان،
پسر جوان



بدو بریم



اونی که عقب میمونه
باید آشغال بباره ...!



NNFFF.



هی



اینتو نیکا



نمیدونم.

بوی لاستیک
سوقته میده.
چیه این؟



اما هرچی
که هست



... فک کنم مرده



"بُری، تو عزرائیل
رو شکست دادی."



وقت جشن گرفته ...

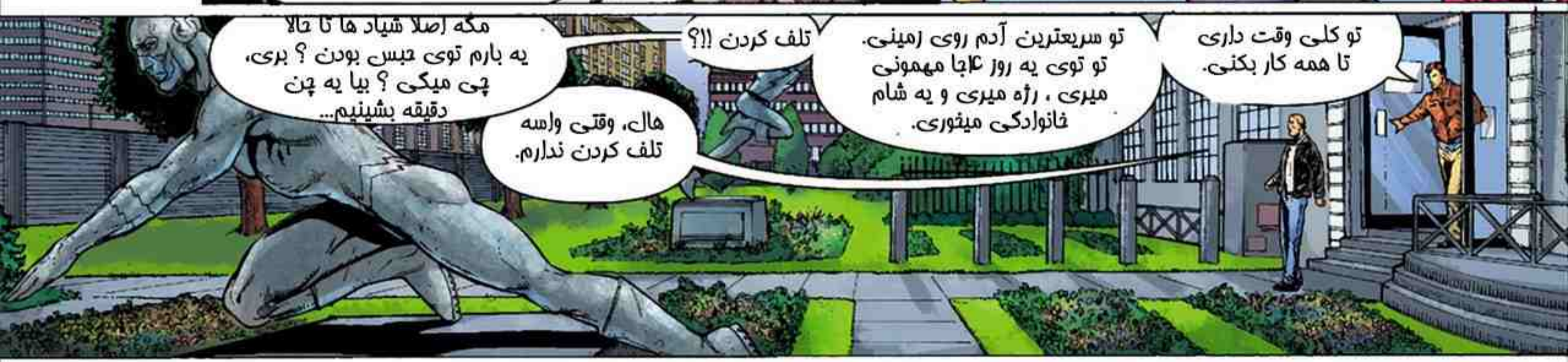
نیازی نیست. باید بدوم.

چرا عجله داری؟ فکر کردم برای جبران اینجایی

به حد کافی دیدم تا متوجه موضوع بشم.

اون بیرون چهره های جدیدی هستن... به استاد آینه ی جدید. به بادپا به اسم ساویتار، یکی که اسم خودشو تار-پیت گذاشته، اما اکثرشون به چیزن.

ساویتار توی نیروی سرعت زندانی شده بود اما عیبیه که سیستم عدالت توانایی تو عیس نکه داشتن این سرکش هارو نداشته.



مگه اصلا شیاها ها تا حالا به بارم توی عیس بودن؟ بری، چی میگی؟ بیا به چن دقیقه بشینیم...

هاله، وقتی واسه تلف کردن ندارم.

تلف کردن !!؟

تو سریعترین آدم روی زمین. تو توی به روز تاجا مهمونی میری، رژه میری و به شام خانوادگی میخوری.

تو کلی وقت داری تا همه کار بکنی.



نه ندارم.

درسته که برگشتم اما زمان که نیاستاده. ثانیه ها همچنان دارن میگذرن.



نیروی سرعت قرار نیست به دست کنده ی الکتریکی دربیاره و تو رو برگردونه.

آره شاید. اما مهم نیست چی بشه به هرحال به روز دوباره زمان واسه من تموم میشه.

برا هممون تموم میشه.

هر ثانیه ارزش داره.



میفروم وایسه
اما نمی تونم.

از طرف من از همه
عذرخواهی کن اما من
نمیفروم توی مهمونی
یا رژه باشم.

نمیتونم
دیر کنم.

دیر ؟

KRAKA

دیر واسه
چی ؟؟



BOOM

برای هر چیزی
که بقیه ی دنیا
ازم میفروان.



دیگه هرگز
نمیتونم دیر کنم.



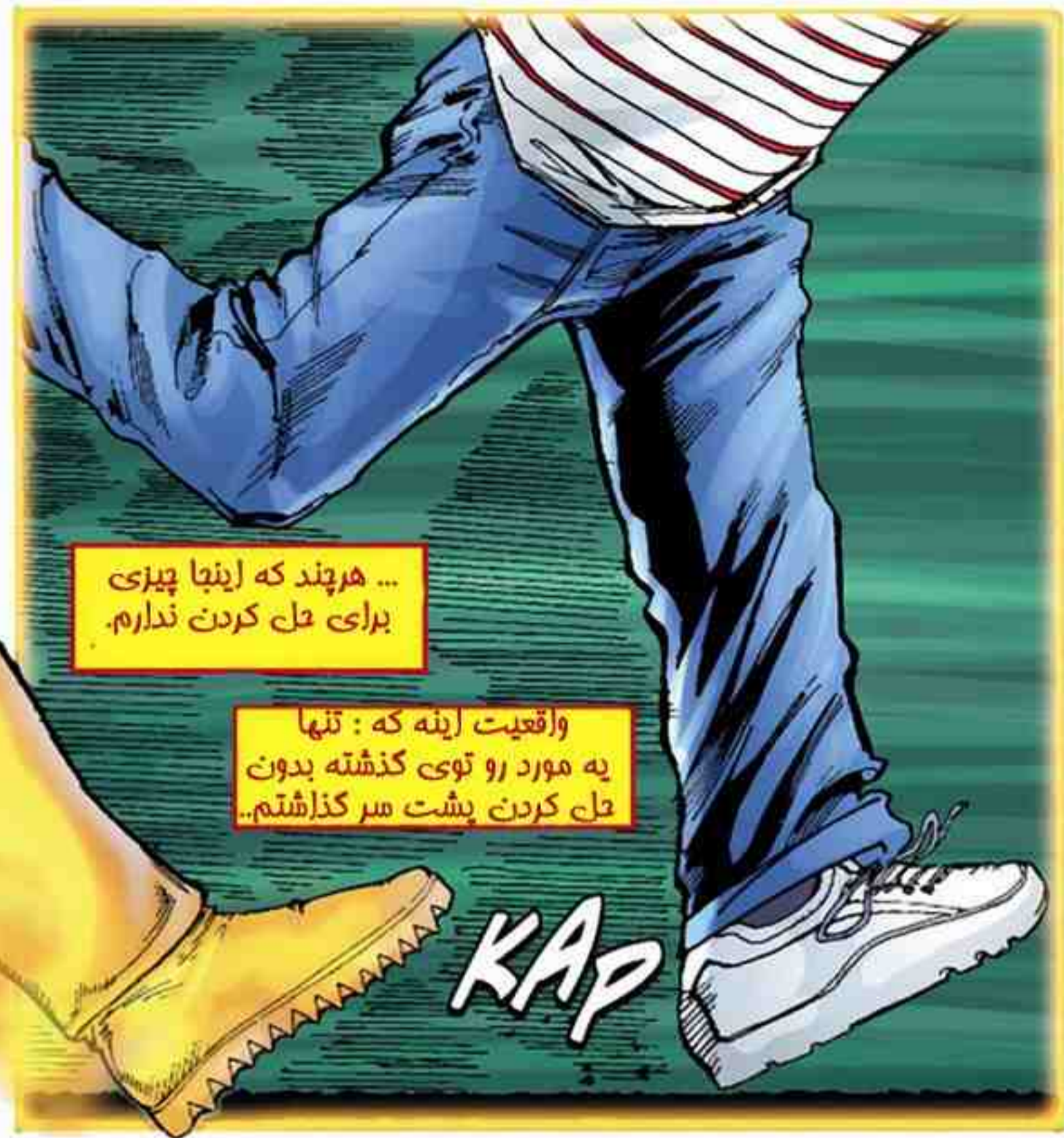


بقیه ی تندپاها توسط نیروی سرعت گرفته شدن... جانی کوئیک، ماکس مرکوری، ساویتار ...

.... اونا آزاد نشدن.

اما من شدم...

KOUM KOUM



... هرچند که اینجا چیزی برای حل کردن ندارم.

واقعیت اینه که : تنها به مورد رو توی گذشته بدون حل کردن پشت سر گذاشتم..

KAP



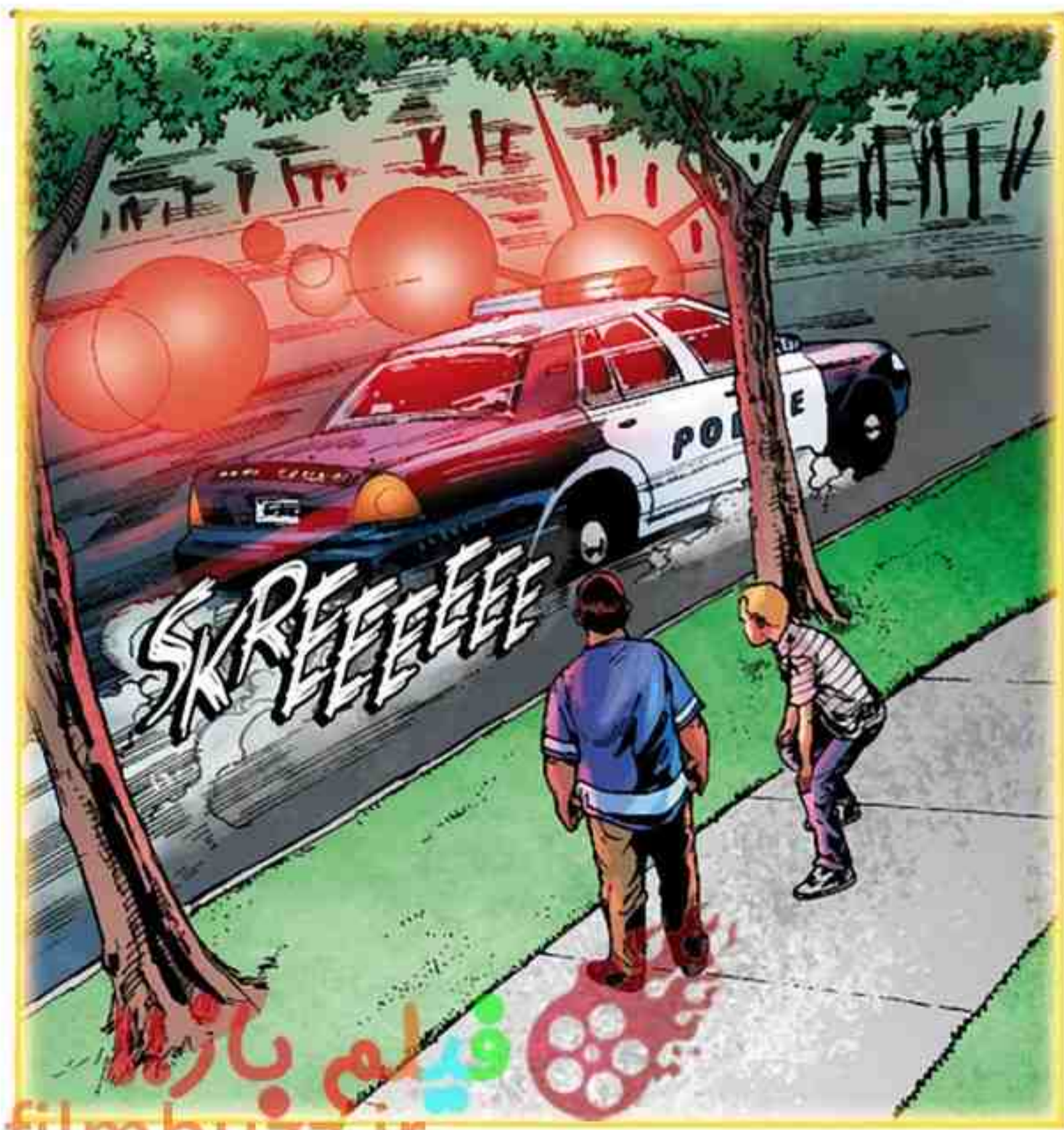
... و این مسئله ی کسی جز خودم نبود

هششششش



بخت یه قالب هد استارت دارم (اما هنوزم عین یه لاک پشت میدویی ! اصلا فک کنم هیچ تلاشی نمیکنی ، بری.

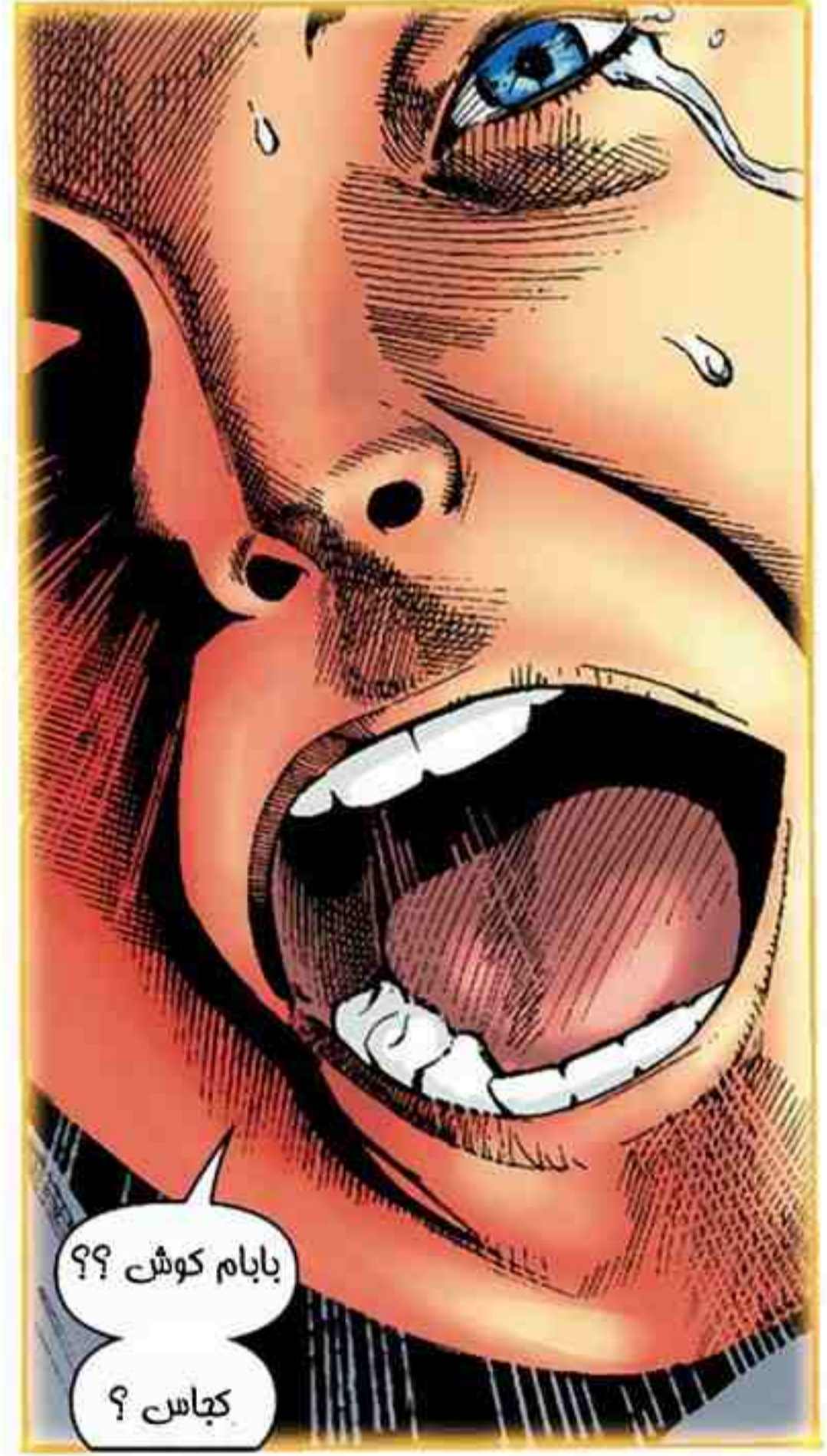
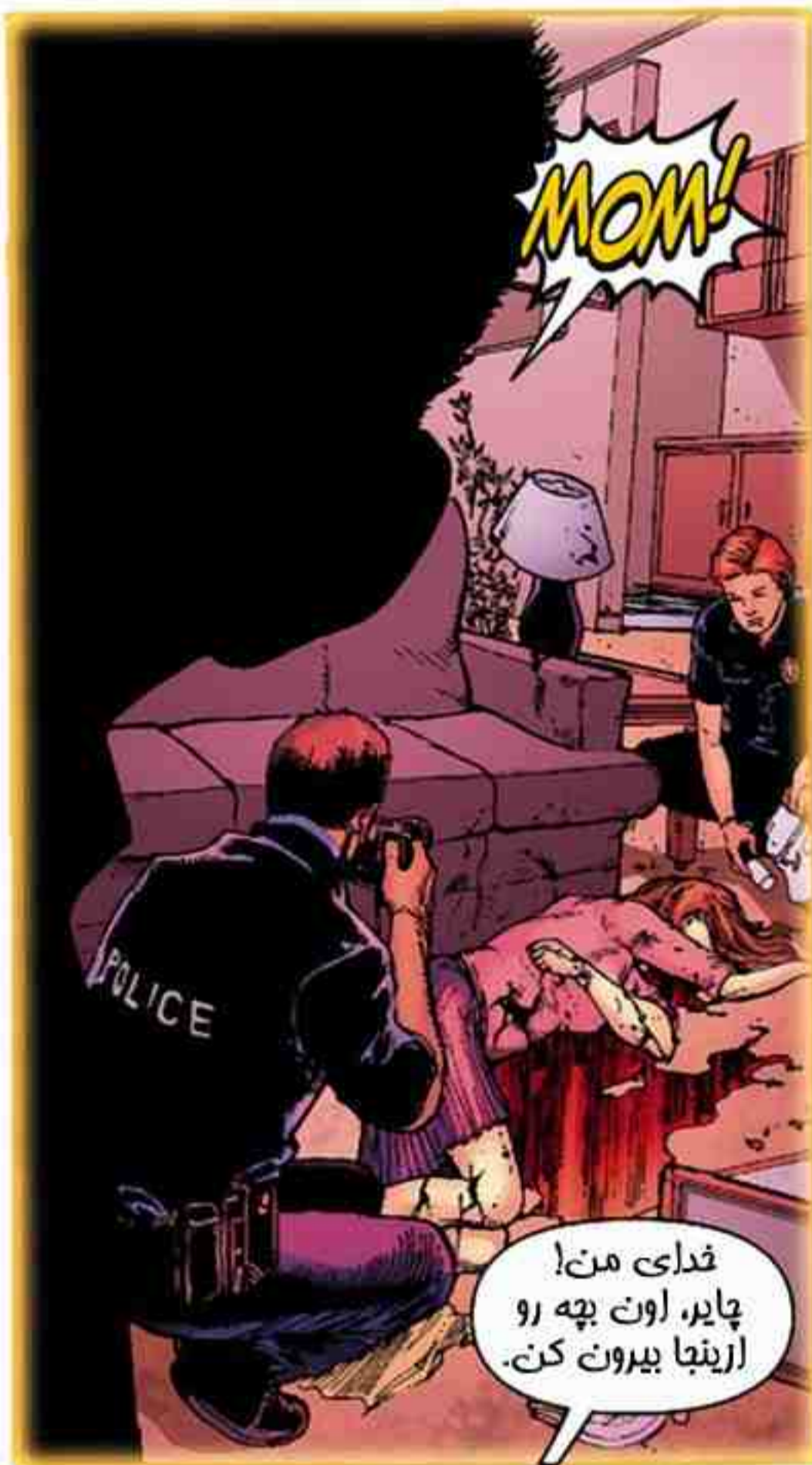
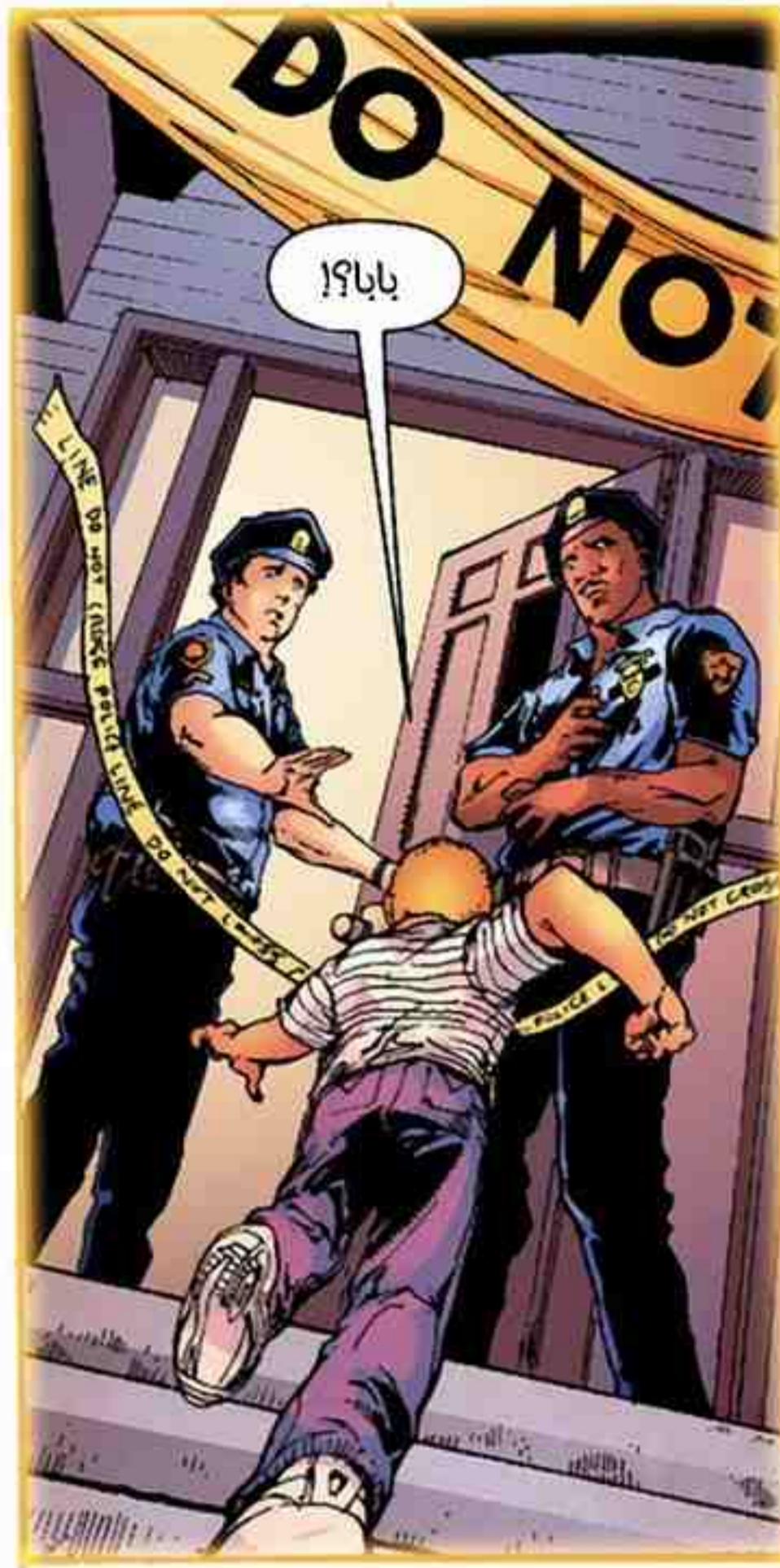
فقط دویدنو دوس ندارم. میکنم.

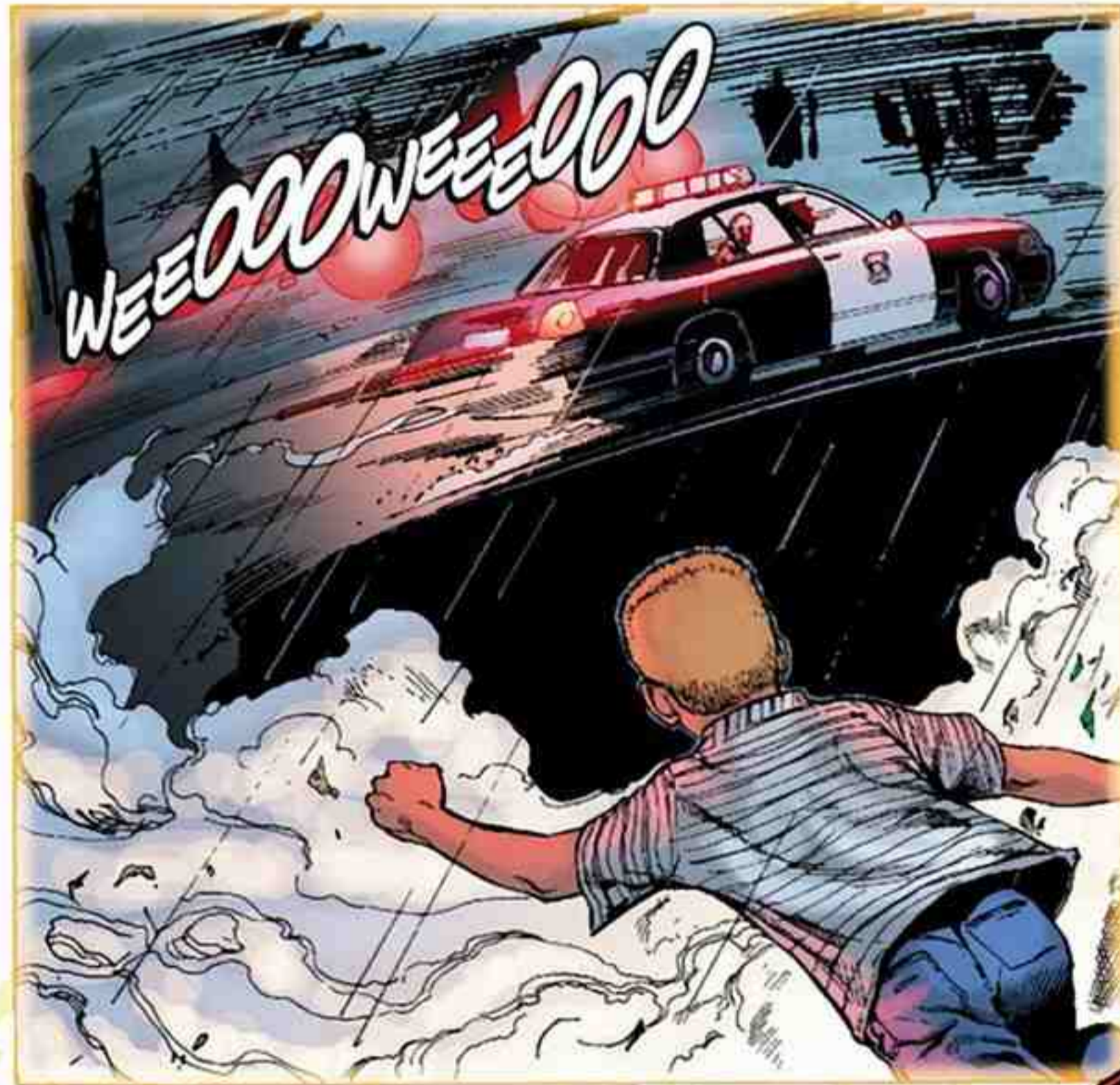


SKREEEEEE



هی اونیجا فونه شماس.





و هنوز نمیتونم
بهانه برسم

FREE!

من آزادم!

شبيه ساويتاره

KRAK KRAK

تو موزه گفتن که اون رهبر به مکتب سرعته. به روانی که آدمای بیگناهو برای دویدن قربانی میکرد تا اینکه والی اونو به زور توی نیروی سرعت برد

KRAK KRAK

ساویتار به قاتله

اون کناهکاره.

و داره میدونه.

مطمئن نیستم چوری
فرار کردی، اما یکم دیگه
از برگشتت پشیمون
خواهی شد.

ازم دور شو.



کدومتون مسئولیت
این اتفاقو به عهده
میگیره؟

هن نه!



چرا به گوشه نمیشینیم
و با همدیگه آشنا نمیشیم؟
میشناسی اما ما
همدیگه رو ندیدیم



والی؟!؟

تو!!؟

یه چیز تو مایه
های فیدبک.

نمیتونم آرام شم.



... آلت تو
شروع کردی ...

... و آخرشم تویی.

من چیکار کردم ۹۹



LIGHTNING STRIKES TWICE

GEOFF JOHNS - *Writer*
ETHAN VAN SCIVER - *Artist*

ROB LEIGH - *Letterer*
ALEX SINCLAIR - *Colorist*

Cover by **ETHAN VAN SCIVER**
Colored by **MOOSE BAUMANN**

Variant Cover by **ETHAN VAN SCIVER**
Colored by **ALEX SINCLAIR**

CHRIS CONROY - *Assistant Editor*
JOEY CAVALIERI - *Editor*

FROM THE WRITER OF
JSA AND GREEN LANTERN

GEOFF JOHNS

THE FLASH

WONDERLAND

BLITZ

CROSSFIRE

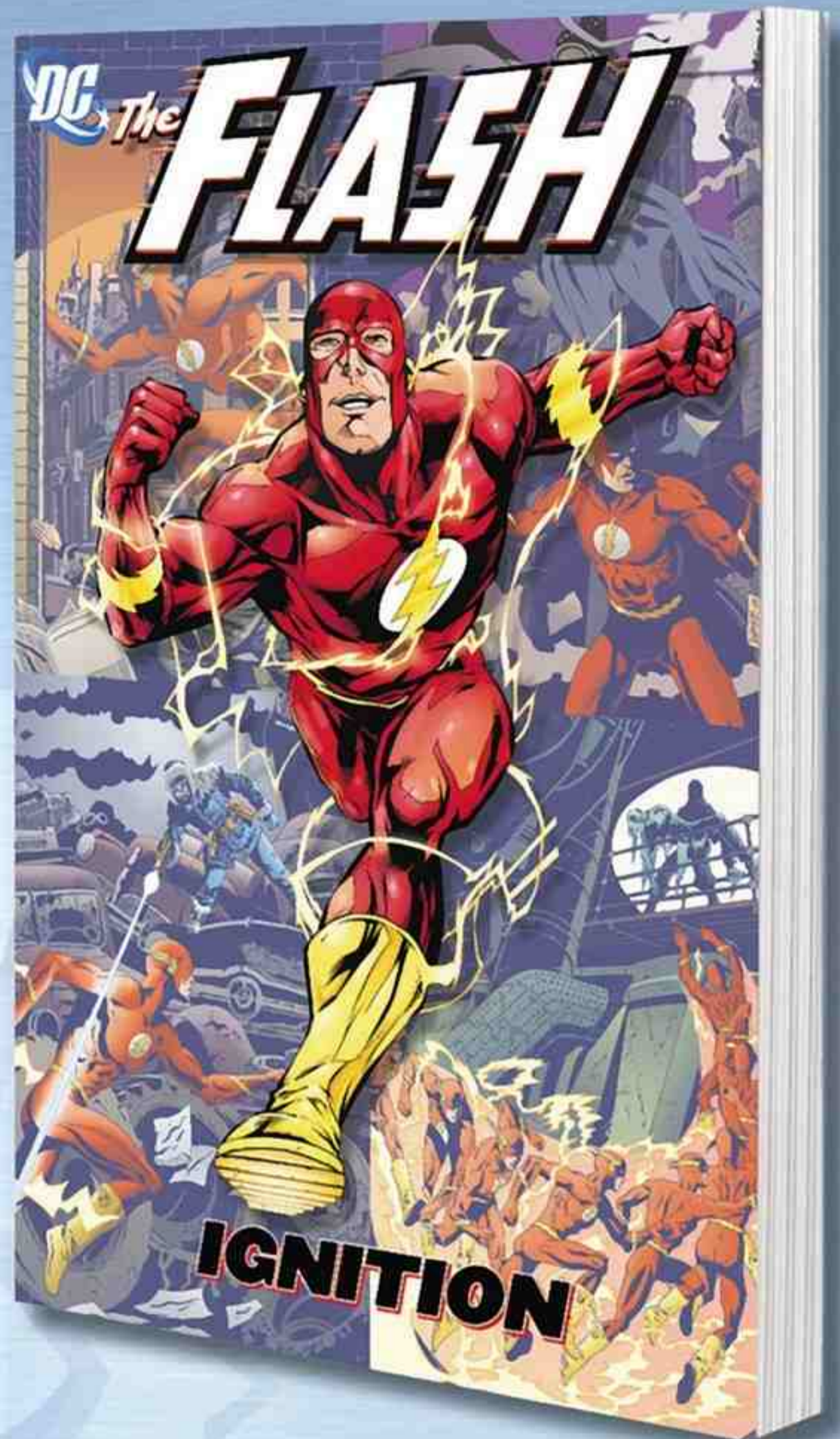
IGNITION

THE SECRET OF BARRY ALLEN

BLOOD WILL RUN

ROGUE WAR

ROGUES

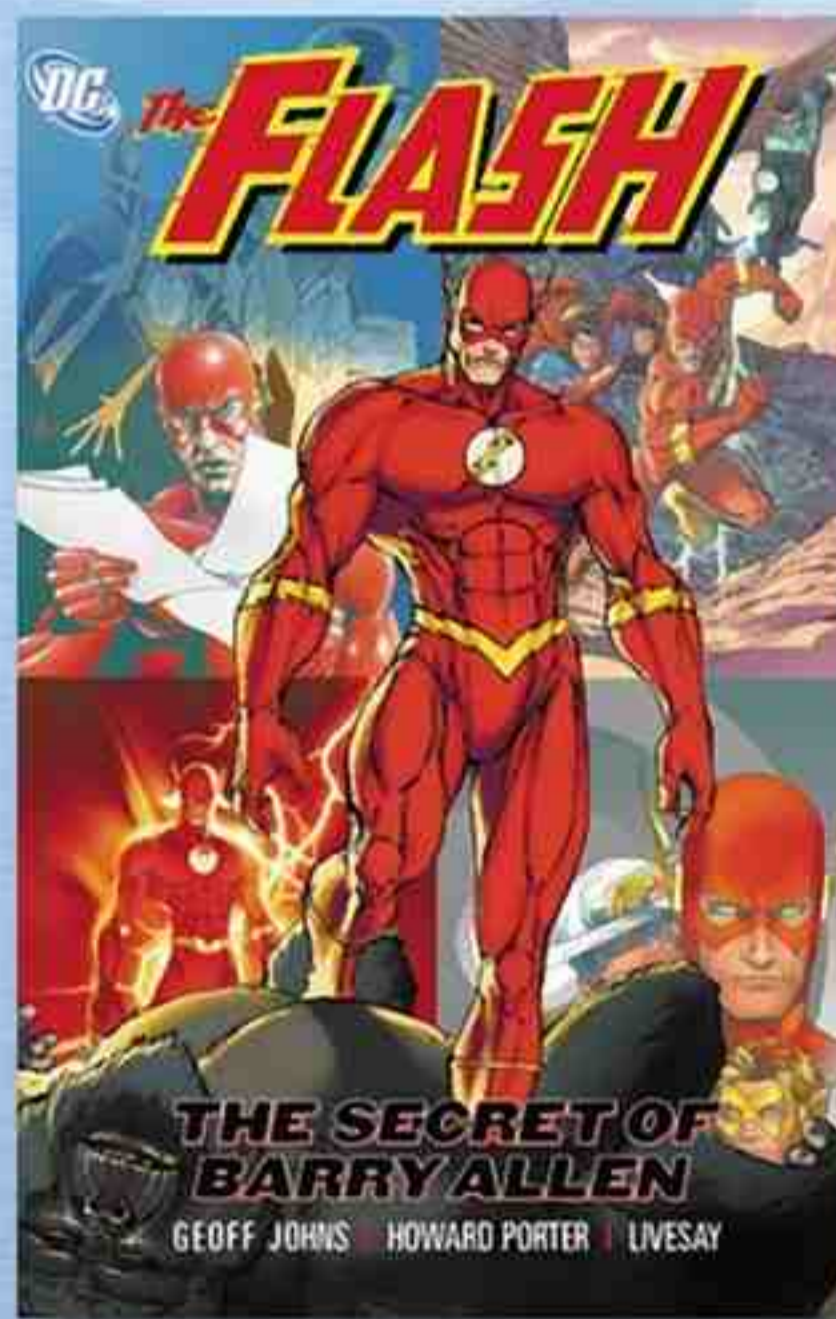


THE FLASH:
ROGUES



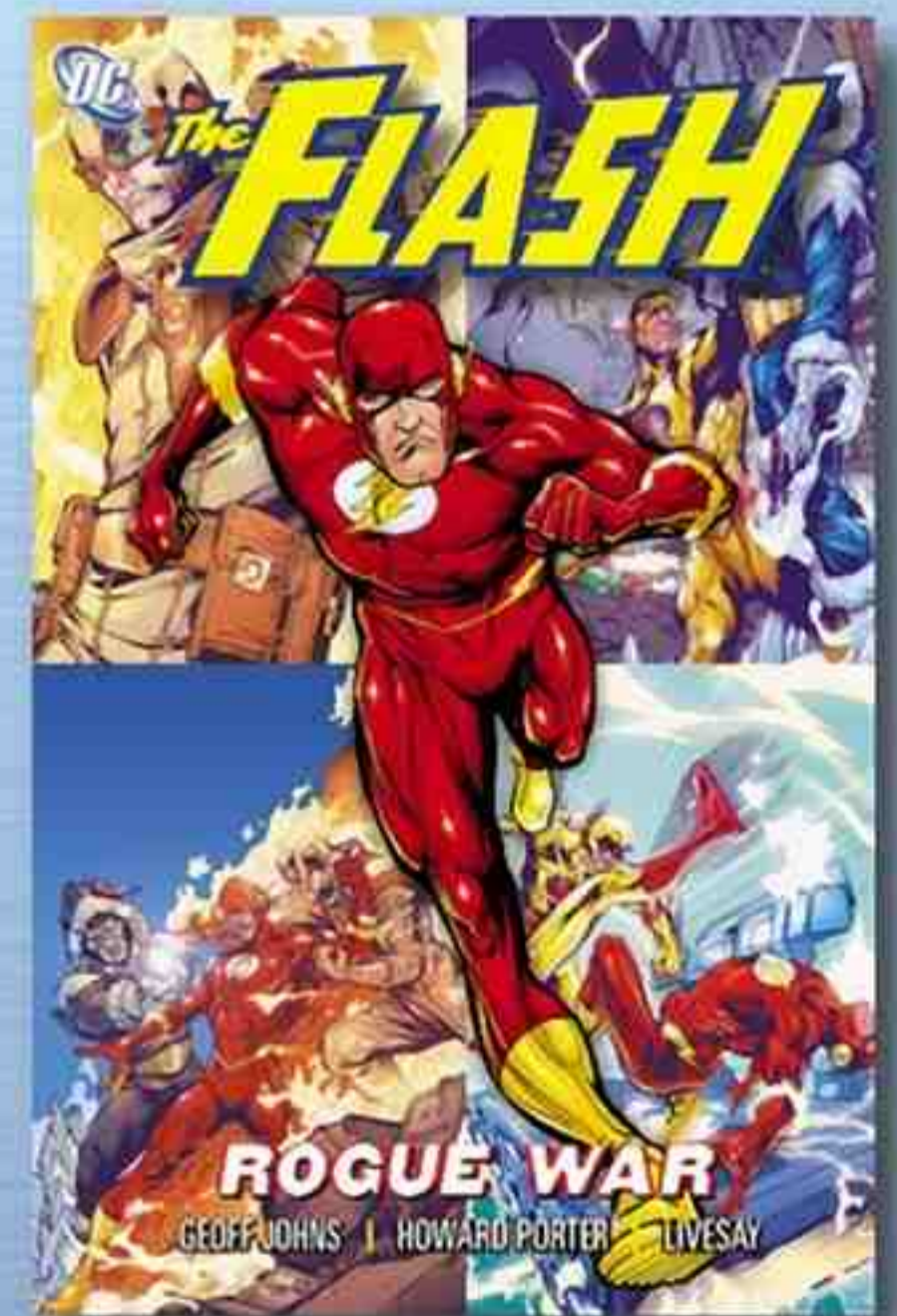
with
SCOTT KOLINS

THE FLASH:
THE SECRET OF
BARRY ALLEN



with
HOWARD PORTER

THE FLASH:
ROGUE WAR



with
HOWARD PORTER

Use the **BUY TO PRINT** feature to find a comics shop near you.
Check back here every week for **NEW DIGITAL RELEASES!**

The FLASH 101

CHECKLIST

GET UP TO SPEED!

FLASH FIRSTS!

- FLASH COMICS #1... (FIRST APPEARANCE OF JAY GARRICK, THE GOLDEN AGE FLASH)
- SHOWCASE #4... (FIRST APPEARANCE OF BARRY ALLEN, THE FLASH)
- THE FLASH (1959) #105... (FIRST APPEARANCE OF MIRROR MASTER)
- THE FLASH (1959) #106... (FIRST APPEARANCE OF GORILLA GROOD)
- THE FLASH (1959) #110... (FIRST APPEARANCE OF KID FLASH)
- THE FLASH (1959) #113... (FIRST APPEARANCE OF THE TRICKSTER)
- THE FLASH (1959) #117... (FIRST APPEARANCE OF CAPTAIN BOOMERANG)
- THE FLASH (1959) #125... (FIRST APPEARANCE OF THE COSMIC TREADMILL)
- THE FLASH (1959) #140... (FIRST APPEARANCE OF HEAT WAVE)
- THE FLASH (1959) #155... (FIRST APPEARANCE OF THE ROGUES)
- THE FLASH (1987) #1... (FIRST APPEARANCE OF WALLY WEST AS THE FLASH)
- THE FLASH (1987) #92... (FIRST APPEARANCE OF IMPULSE)

THE FALL OF BARRY ALLEN!

- THE FLASH: TRIAL OF THE FLASH (1959 SERIES #340-350)
- CRISIS ON INFINITE EARTHS #1-12

WALLY WEST'S RUN!

- THE FLASH (1987 SERIES):
- THE RETURN OF BARRY ALLEN (#74-79)
- TERMINAL VELOCITY (#0, 95-100)
- EMERGENCY STOP (#130-135)
- WONDERLAND (#164-169)
- BLOOD WILL RUN (#170-176)
- ROGUES (#177-182)
- RUN RIOT AND BLITZ (#192-200)

THE RETURN OF BARRY ALLEN!

- FLASH: REBIRTH #1-6
- BLACKEST NIGHT: FLASH #1-3
- THE FLASH (2011 SERIES):
- DASTARDLY DEATH OF THE ROGUES (#1-7)
- REVERSE FLASH SPOTLIGHT (#8)
- PRELUDE TO FLASHPOINT (#9-12)

EVERYTHING WILL CHANGE IN A FLASH!

- FLASHPOINT #1